

بررسی علل و عوامل جرم آدم‌ربایی در افغانستان

سید حیدر شاه موسوی^{۱*}، محمد علی حاجی ده‌آبادی^{۲**}

۱- دانشجوی دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران

۲- عضو هیئت علمی دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

چکیده

یکی از مؤلفه‌های بارز نامنی در افغانستان در سال‌های اخیر بعد از فعالیت گروه‌های تروریستی و کاروان‌های مسلح مواد مخدر، پدیده شوم آدم‌ربایی می‌باشد؛ آدم‌ربایی از جمله جرائمی است که علاوه بر ایراد صدمه‌های مادی و معنوی بر فرد مختطف و نزدیکان وی، موجب اغتشاش و بی‌نظمی شدید در جامعه می‌شود؛ به‌طوری‌که وقوع آن انعکاس وسیعی در رسانه‌ها و افکار عمومی در پی دارد. مبارزه مؤثر با پدیده آدم‌ربایی، نیازمند شناسایی و ریشه‌یابی عوامل و انگیزه‌های وقوع این جرم در راستای ارائه راهکارهای مناسب در پیشگیری و کاهش وقوع آن است. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشد تا با تبیین چپستی آن، مهم‌ترین علل و عوامل مؤثر در پدیده این جرم در افغانستان را مورد بررسی قرار دهد؛ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد عوامل اقتصادی بیش‌ترین تأثیر را در پیدایش و گسترش این جرم دارد؛ پس از آن به ترتیب عوامل اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی در وقوع این پدیده مؤثرند. بر این اساس اولویت‌های اساسی در تدابیر پیشگیرانه از این پدیده به ترتیب عبارتند از تدابیر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیطی.

واژه‌های کلیدی: آدم‌ربایی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، موقعیت راهبردی، انگیزه

*- Sayedhaidar786@gmail.com (نویسنده مسئول)

** - Dr_hajidehabadi@yahoo.com

مقدمه

آزادی تن از جمله نعمت و موهبت‌های الهی است که خداوند لایزال برای افراد اعطاء کرده است. در قانون اساسی اکثر کشورها آزادی انسان به‌عنوان یکی از اصول اساسی ذکر شده است. در قانون اساسی افغانستان مصوب ۱۳۸۲ در ماده ۲۴ در مورد آزادی افراد چنین تصریح شده است: «آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حدی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد». همین‌طور در اصل ۲۲ قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». همچنین در اصل ۳۲ قانون مزبور نیز حق آزادی تن که بارزترین مصداق‌های آزادی است تصریح و تأکید شده و بیان می‌کند که هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. جرم اختطاف به همین موهبت الهی که آزادی تن اشخاص تلقی شده تعرض و آسیب وارد می‌کند، این جرم علاوه بر اینکه آزادی افراد را سلب می‌کند در اغلب اوقات صدمات بدنی، حیثیتی و روحی بر پیکر افراد و حتی خانواده‌های آنان وارد می‌سازد. آدم‌ربایی در اصطلاح حقوقی عبارت است از ربودن و محروم کردن فرد از آزادی رفت آمد برخلاف میل وی و برخلاف قانون به‌قصد مطالبه وجه، مال و به‌قصد انتقام یا هر منظور دیگر، به عنف یا تهدید یا حيله یا هر نحو دیگر. این جرم با انگیزه‌های گوناگون ممکن است تحقق یابد و می‌توان یادآوری شویم که جرم آدم‌ربایی بعد از جرم قتل عمدی، مهمترین جرم علیه اشخاص به‌حساب می‌آید. ریشه آدم‌ربایی‌ها را از لحاظ تاریخی می‌توان در اختلافات قومی، قبیله‌ای، به دست آوردن مال و قدرت بیان کرد. در قلمرویی که بعد معنویت و انسانیت معنی نداشته باشد و مورد احترام قرار نگیرد جرم جنایت مخصوصاً جرم آدم‌ربایی بیشتر تحقق پیدا می‌کند و متأسفانه این پدیده زیان‌بار به‌عنوان یک معضل خطرناک و ناهنجار به اجتماع راه یافته و جان و مال افراد اصل امنیت و نظام اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. بدین جهت، جوامع بشری برای حفظ و حراست از ارزش‌ها و هنجارها و ادامه حیات خود در مقابل چنین جرائم و رفتارهای ضد بشری واکنش‌های متفاوتی را نشان می‌دهند که به‌طوری کلی به دو دسته از واکنش پیشگیرانه و سرکوبگرانه تقسیم می‌شود واکنش پیشگیرانه مبتنی بر اقدام‌های به‌منظوری شناسایی زمینه و بسترهای وقوع جرم، دلایل و انگیزه‌های وقوع جرائم توسط مجرمان است که در این حالت در تمام تلاش و تکاپو در جهت حذف و محو زمینه‌های ارتکاب جرم با ایجاد شرایط خاص و تدابیر مناسب برای جلوگیری از وقوع جرم است؛ اما در روش سرکوبگرانه و مقابله‌ای، هدف برخورد در چارچوب قوانین با مجریان و اخلال‌گران نظم و امنیت جامعه است که در آن حاکمیت و قدرت عمومی با استفاده از قوه قهریه خود

تلاش می‌کنند با افراد از جامعه که قواعد و مقررات عمومی را نقض کرده‌اند برخورد سرکوبگرانه و سزادهی با اهداف جبران خسارات و اصلاح مجرم و عبرت برای دیگران داشته باشد، در پیش می‌گیرند. با این همه، در کشورهای مختلف به اقتضای موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی میزان جرم آدم‌ربایی شدت و خفت خود را دارا بوده است.

در کشور افغانستان با توجه به موقعیت جغرافیایی و راهبردی آنکه یک سرزمینی کوهستانی و محصور در خشکی است، با جرم موصف بیشتر درگیر بوده است، طوریکه از سال ۱۳۹۴-۱۳۸۷ در حدود ۱۵۵۱ فقره آدم‌ربایی در سطح کشور مزبور به وقوع پیوسته است، کابل، هرات بالاترین میزان وقوع آدم‌ربایی را در سطح ولایت‌های افغانستان به خود اختصاص دادند. از مهمترین عوامل وقوع جرم آدم‌ربایی در کشور افغانستان می‌توان به وضعیت جغرافیایی، وضعیت قومی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و وضعیت اقتصادی این کشور اشاره کرد. جرم آدم‌ربایی هرچند از جنبه حقوقی مورد مطالعه و بررسی بیشتری قرار گرفته است اما از لحاظ مبانی، علل و عوامل و انگیزه‌های آن به صورت کم‌تر مورد تحقیق قرار گرفته است. بدین جهت، شناخت و فهم انگیزه‌های آدم‌ربایی در افغانستان و ضرورت بررسی این جرم از اهمیت زیادی دارا بوده است. از سوی دیگر اهمیت و ضرورت این پژوهش بیانگر این است که تاکنون مقاله یا تحقیق جامع در حوزه جرم‌شناسی مخصوصاً در افغانستان به این مفهوم اختصاص داده نشده است. بدین لحاظ در این نوشتار سعی شده است ضمن بررسی علل و عوامل جرم آدم‌ربایی در افغانستان به ارائه راهکارها مؤثر در جهت کاهش و مهار این جرائم موصف در کشور مزبور بوده است، می‌پردازد.

روش‌شناسی تحقیق

نوشتار حاضر از نظر هدف و ماهیت کاربردی و از نظر شیوه تحقیق نوع توصیفی از نوع پیمایشی است که در جهت شناسایی عوامل مؤثر بر وقوع جرم آدم‌ربایی در کشور افغانستان صورت گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات و آمار مورد نیاز در این تحقیق در دو بخش انجام گرفته است: که بخش اول شامل جمع‌آوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری موضوع و سوابق تحقیقات انجام شده بود که با استفاده روش مطالعه کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی و اطلاع‌رسانی صورت گرفته است. بخش دوم شامل گردآوری اطلاعات و آمار پرونده‌های آدم‌ربایی، گزارشات و پروژه‌های که از طریق مؤسسات، نهادهای ملی و فراملی که در این زمینه در افغانستان فعالیت داشتند، صورت گرفته است.

مبحث اول چیستی جرم آدمربایی

در جرم‌شناسی اولین گام در بررسی پدیده مجرمانه شناخت ماهیت و چیستی آن است که خود دربردارنده ارائه تعریفی دقیق از آن پدیده (گفتار اول) و در گام بعد تبیین ویژگی‌های آن پدیده (گفتار دوم) است.

گفتار اول. تعریف جرم آدمربایی یا اختطاف

هرچند جرم‌شناسان مباحثات فراوانی در ارتباط با تعریف جرم دارند و از زوایای گوناگونی به تعریف جرم می‌پردازند (جرج ولد و دیگران، مترجم، شجاعی، ۱۳۸۰، ۳۹۸) اما در نهایت از جمله رویکردهایی که در جرم‌شناسی در تعریف جرم به‌طور کلی و در تعریف هر جرم خاص پذیرفته شده است تعریف قانونی جرم است. از این‌رو در ادامه تعاریف قانونی از این پدیده را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ اما پیش از آن لازم است تا مروری بر تعاریف لغوی و حقوقی این پدیده داشته باشیم.

آدمربایی، یا اختطاف معادل واژه‌های Kidnapping, abduction در زبان انگلیسی، واژه enlevement در زبان فرانسوی و واژه اختطاف و خطف در زبان عربی تعبیر شده است (آذرنوش، ۱۳۸۵، ۱۷۲). «آدمربایی عبارت است از انتقال یک شخص از مکانی به مکان دیگر برخلاف اراده آنان که ممکن است از راه خدعه یا فریفتن یا با زور انجام گیرد» به عبارت دیگر آدمربایی جابجا کردن غافلگیرانه فرد بدون رضایت (عنف، حيله، تهدید و هر نحو دیگر) وی است (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ۵۶). آدمربایی به معنایی سلب آزادی تن است، بنابراین ابتدا باید معنای آزادی تن را دانست، آزادی تن چنین تعریف شده است - آزادی بدنی هر فرد به‌طوری که بتواند از هر نقطه کشور به نقطه دیگر آن مسافرت نموده یا نقل مکان دهد یا از کشور خود خارج شده و به آن مراجعت نماید و از توقیف بدون جهت، محفوظ و مصون باشد. نتیجه این آزادی، لغوی بردگی و شبه بردگی، لغو بیکاری، منع توقیف و حبس بدون مجوز از اشخاص است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ۴۲)؛ بنابراین آدمربایی به معنای سلب آزادی تن دیگری بدون رضایت او و با قصد نامشروع، از راه جابجایی از محلی به محل دیگر می‌باشد (زراعت، ۱۳۹۲، ۳۱۸). در اصطلاح قضایی نیز آدمربایی عبارت است از ربودن و محروم کردن فرد انسانی از آزادی آمد و شد برخلاف میل وی و برخلاف

۱. جرم‌شناسان در چهار حوزه ی کلی جرم را تعریف کرده است ۱- معنای جرم از دید مجرمان؛ ۲- تأثیری که مجرم قلمداد کردن یک فرد در رفتار وی دارد؛ ۳- فرایندی‌هایی که قانون جزا از طریق آن‌ها دسته‌های کلی رفتار را به عنوان جرم و کارگزاران عدالت کیفری افراد و رویداد‌های مشخصی را تحت عنوان مجرمانه تعریف می‌کند؛ و ۴- معنای جرم در بستر قدرت حکومتی. در هر مورد، توجه بر معنایی است که مردم به جرم مجرمان نسبت می‌دهند و کنش‌های به عنوان محصولی از آن معنا درک می‌شوند.

قانون به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا هر منظوری دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر (جعفرپور، ۱۳۸۸، ۹۷).

به لحاظ قانونی؛ در قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان افغانستان در ماده ۳ آن اختطاف (آدم‌ربایی) را چنین تعریف کرده است: اختطاف، ربودن شخص با استفاده از تهدید یا استعمال قوه (زور) یا انواع دیگر ارباب یا کاربرد حيله و فریب یا با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی یا تبدیل نمودن طفل نوزاد یا طفل نوزاد دیگر یا دور نمودن طفل از والدین یا سرپرست قانونی وی و یا رها نمودن طفل در محل غیر مسکونی اعم از اینکه چنین اعمال به مقصد بهره‌برداری باشد یا رساندن ضرر؛ و نیز در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی ایران چنین تصریح شده است «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.»

آدم‌ربایی، جرمی است که از گذشته‌های دور و اولیه زندگی بشر وجود داشته است و همواره مورد مذمت و نکوهش حاکمان، پادشاهان و قانون‌گذاران قرار گرفته است، از جمله می‌توان به قوانین همچون، قانون اور - نمو (۲۱۰۰ ق م)، قانون لیبیت - اشتار (۱۹۲۴ ق م)، قانون اشوننا (۱۷۷۰ ق م) در ماده ۱۵۰ (یک‌رنگی، ۱۳۹۶، ۳۷) و قانون حمورابی (۱۷۵۰ ق م) در ماده ۱۴^۲ اشاره کرد (میر محمد صادقی، ۱۳۹۳، ص ۵۶۳). در قرآن مجید نیز در این مورد اشاره شده است (سوره مائده آیه ۳۳). در حقوق کیفری فرانسه مواد ۱- ۲۲۴ لی ۵- ۲۲۴ و مواد ۷- ۲۲۷ الی ۸- ۲۲۷ در خصوص جرم موصوف اختصاص داده شده است، هم‌چنین در حقوق بین‌الملل به این پدیده تأکید شده است (سالارزایی، ۱۳۹۲، ۳۲). در قانون جزا (کدجزا) افغانستان مصوب ۱۳۹۶ نیز از مواد ۵۹۹ - ۵۹۰ به این جرم تصریح نموده است. علی‌رغم این،

۱. «ماده ۵۰- اگر فرماندار نظامی، مدیر نظام آبیاری یا هر یک از مقامات رسمی، غلامی فراری، کنیز فراری... را که متعلق به دربار یا متعلق به عوام باشد توقیف کند و آن را به اشوننا نفرستد بلکه در منزل خود نگاه دارد و بیش از یک ماه سپری شود در بار علیه او اتهام سرقت مطرح خواهد کرد.»

۲. ماده ۱۴ مذکور اشعار می‌دارد: «هر شخص پسر جوان شخص دیگری را ربوده باشد، او باید به قتل برسد» قانون حمورابی (ترجمه کامیار عبدی) (تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶)، ص ۳۹.

۳ «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ.»

کثیری از فقها با استناد به روایات آن را نوعی سرقت دانسته و مجازات سرقت را برای آن در نظر گرفته است و در استدلال و توجیه آن به نظریه فساد فی الارض استناد می‌جویند (مرعشی، ۱۳۷۶، ۴۳). اکثر فقها امامیه مصادیق فساد فی الارض را مشخص کرده است و جرم آدم‌ربایی را نیز از زمره فساد فی الارض دانسته‌اند. (شاهرودی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۲۹۰؛ نجف آبادی، ۵۲۹). چون در سخنان فقها ترسیم ایجاد ترس و وحشت برای مردم از طریق توسل به سلاح در تعریف محارب شمرده شده است که از موارد و مصادیق فساد فی الارض است.

محارب کسی است که سلاح خود را برای ترس و وحشت مردم بکشد یا خود را مجهز به آن کند و در زمین قصد فساد داشته باشد و فرق نمی‌کند که در خشکی باشد یا دریا، در شهر یا غیر از شهر در شب یا در روز در آن یکسان‌اند (عاملی، ۱۴۱۳، ۱۵؛ حلی، ۱۴۱۰، ۴۱۸). جرم محاربه لازم نیست همراه با بردن مال یا به قصد بردن مال دیگری باشد، بلکه با حمل یا کشیدن سلاح به منظور ایجاد رعب و وحشت با هر هدفی و نیتی که باشد جرم محاربه محقق خواهد شد (صادقی، ۱۳۹۴، ۲۴۴)؛ بنابراین جرم محاربه می‌تواند در کنار آدم‌ربایی تحقق پیدا کند عبارت از هر نوع فساد است که روی زمین شکل می‌گیرد که باعث اخلال در نظم عمومی جامعه با ایجاد اغتشاش و ترس که معمولاً جز با استفاده سلاح و تهدید میسر نخواهد شد (قربان حسینی، ۱۳۸۱، ۶۶). بدین ترتیب واژه محاربه و فساد فی الارض عنوان کلی بوده که اغلب جرائم علیه امنیت جامعه در تمامی جوامع بشری صرف نظر از ایدئولوژی و فرهنگ آنان را در بر می‌گیرد (شامبیاتی، ۱۳۸۴، ۴۴). به عبارت دیگر آنچه از مفاد آیات و روایات به دست می‌آید و در کلمات فقها نیز تصریحاً و تلویحاً به آن اشاره شد می‌توان گفت که رابطه بین جرم آدم‌ربایی و محاربه، عموم و خصوص من وجه است؛ یعنی گاهی آدم‌ربایی ممکن است باشد، ولی محاربه نباشد؛ مانند آنکه شخص به خاطر آدم‌ربایی سلاح حمل کند ولی قصد ایجاد رعب و وحشت نداشته باشد و کسی نیز از او نترسد و گاهی نیز محاربه محقق شود، ولی آدم‌ربایی نیست؛ مانند جایی که شخص سلاح بر کشد و با ایجاد رعب و وحشت قصد کشتن کسی را داشته باشد یا این که نه قصد قتل دارد و نه قصد آدم‌ربایی و تنها هدفش ایجاد نا امنی و جو بی‌بیم و هراس است. گاهی نیز عملی است که هر دو عنوان در او جمع شده‌اند، آدم‌ربایی با ایجاد رعب و وحشت و به قصد برهم زدن امنیت که این عمل از مصادیق جرم آدم‌ربایی و محاربه هر دو می‌باشد؛ و عامل آن مطابق قواعد تعدد به مجازات اشد یعنی محاربه محکوم است (صبری، ۱۳۸۷، ۲۳۹).

گفتار دوم: ویژگی‌های جرم آدمربایی

آدمربایی در تصنیف جرائم از نظر فقهی جزء جرائم غیر حدی بوده است یعنی جرم مزبور از لحاظ تقسیم‌بندی جرائم از مصداق‌های جرائم تعزیری تلقی شده است چون جرائم حدی مشخص و احصاء شده است و آدمربایی از این توصیف برخوردار نیست؛ بنابراین احکام عمومی جرم آدمربایی همان احکام عمومی بقیه جرائم تعزیری است. با توجه به نقش زمان و مکان در اجتهاد و پویایی فقه و نیز با ملاحظه وضعیت کنونی ایجاد ترس و هراس و سلب امنیت در جامعه، موضوع جرم آدمربایی تا حدود زیاد قابل انطباق بر جرم محاربه و فساد فی‌الارض است؛ زیرا اکثر معیارها و رفتارهای که در جرم محاربه و فساد فی‌الارض وجود دارد در جرم آدمربایی نیز قابل ملاحظه است. چون در حال حاضر در مواردی زیادی اختطاف گران مجهز به اسلحه بوده و به‌وسیله اسلحه افراد را می‌ربایند، مخصوصاً هنگام که به شکل گروهی و سازمان‌یافته فعالیت می‌نمایند و امنیت و آسایش جامعه را در سطح وسیع مورد لطمه و تهدید قرار می‌دهند. مرتکبین و عاملان این جرائم همواره به شکل گروهی و سازمان‌یافته و گاهی هم به شکل فردی مجهز با سلاح‌های سرد و گرم توأم با وسایل نقلیه از قبل ماشین‌های تیز رفتار و موتور سایکل و غیره. در مکان‌های تجارتي مثل بانک‌ها، پاساژها، طلا فروشی‌ها و ... مرتکب چنین جرائم زشت و ضد بشری می‌شوند و بزه دیده‌گان این جرائم را همواره اشخاص سرمایه‌دار و سرشناس و گاهی کودکان نوجوانان تشکیل داده است (<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=>)

مبحث دوم: علل و عوامل جرم آدمربایی

جرم‌شناسی رشته‌ای از علوم جنایی است که درباره علل و عوامل جرم‌زا کیفیت و امور و مقتضیات و شرایط فردی و محیطی و اجتماعی مؤثر در بروز رفتارهای جنایی یا علل وقوع جرم و صور گوناگون بزه و جنبه کمی و کیفی آن از پیدایش حالت خطرناک در انسان یا انسان‌های تبه‌کار و معمای تشکیل گروه‌های جامعه‌ستیز در میان جوامع انسانی با روش عینی و علمی یا مشاهده و آزمون و مقایسه و استقراء کافی به بررسی و تحقیق مداوم می‌پردازد (نجفی‌توانا، ۱۳۹۲، ۲۳؛ بابائی، ۱۳۹۰، ۶۳) تا مگر با استمداد و استفاضه از تمام تخصص‌های علمی بر طبق پیشگیری مستقیم از حدوث جرائم و روش‌های درمان و اصلاح و تربیت بزهکاران یا کسانی که در اثر عوامل جرم‌زای فردی (تن و روان) محیط طبیعی و اجتماعی بدی را برگزیده‌اند و از خود رو برتافته و از انسانیت گریخته‌اند و پرورش دوباره و از نوسازگار ساختن آنان با جامعه و نظام اجتماعی دست یابد (کی‌نیا، ۱۳۷۶، ۴) و همچنین پس از ملحوظ داشتن عمل مجرمانه و شخصیت مجرم توجه خود را به زبان دیده از جرم نیز معطوف داشته است (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ۳۵۳).

جرم‌شناسان همواره به دنبال این بوده‌اند که حقایق و واقعیت‌های اصلی و مهم را درباره جرم گردآوری کرده و آن‌ها را در چارچوب علمی و به‌صورت هدفمند، تعبیر کنند. دانشمندان این رشته با تدوین ادعاهایی که در بعد علمی و تجربی قابل اثبات هستند یا فرضیه‌های و ساماندهی آن‌ها در قالب یک نظریه علمی مبتنی بر ریشه‌یابی جرم، امیدوارند که بتوانند علل وقوع جرم کشف کنند. در شروع استقلال علم جرم‌شناسی از دیگر علوم در اواخر قرن نوزدهم، نظریه‌ها عموماً جرم را به یک علت خاص و مهم مثل ژنتیک، جنون، مشکل‌های جسمانی، فقر و منتسب می‌کردند، بعد از آن علت وقوع جرم را نه به یک علت مهم بلکه به چند علت و به بیان دیگر به مجموعه‌ای از عوامل مربوط می‌دانستند (سیگل، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰).

شناسایی علل و عوامل جرم آدم‌ربایی نیز از موضوعات علم جرم‌شناسی بوده که در حیطه آن بحث و بررسی می‌شود. لذا موضوع بحث در این تحقیق علل و عوامل جرم آدم‌ربایی در افغانستان است یعنی چه علل و عوامل باعث می‌شود که جرم مزبور تحقیق پیدا می‌کند، کدام انگیزه‌ها نقش مؤثر را در افزایش تحقق این جرم در افغانستان در پی داشته است؟ چه زمینه‌هایی باعث ازدیاد این جرم می‌گردد؟ چه کسانی بیشتر قربانی این جرم قرار می‌گیرند؟ هدف از عاملین یا مرتکبین جرائم آدم‌ربایی در افغانستان چه بوده است؟ ربایندگان از چه شیوه‌های برای تحقق جرائم استفاده می‌نمایند؟ بنابراین نوشتار حاضر در این مبحث به دنبال پاسخ‌های سؤالات است که در فوق بیان گردید، بدین جهت، موضوعات خویش را در قالب سؤالات ذکر شده مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم؛ که در نخست به دنبال علل و عوامل جرم آدم‌ربایی در افغانستان می‌پردازیم؛ که در ابتدا چهار عوامل که نقش اساسی را در افزایش و تحقق جرائم آدم‌ربایی در بازی می‌کند که عبارت است عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل جغرافیایی و عوامل سیاسی (محمودی، ۱۳۸۶، ۴۴) که به ترتیب هم عوامل مزبور را به‌صورت مفصل در این مبحث مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم و در ادامه به موضوعات که در قالب بحث لازم است خواهیم پرداخت:

گفتار اول: عوامل اقتصادی در وقوع جرم آدم‌ربایی

عوامل اقتصادی جدا از عوامل اجتماعی نیست ولی به لحاظ اهمیتی که از نظر جرم‌شناسی و آسیب‌شناسی اجتماعی دارد، به‌عنوان مطلبی جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. عده از علمای جامعه‌شناسی، مشکلات اقتصادی را یک عامل اصلی و مؤثر در آسیب‌های اجتماعی می‌دانند (قربان حسینی، ۱۳۸۱، ۳۰۰؛ بای، ۱۳۹۵، ۱۹۹؛ سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ۱۷۷). روانشناسان نیز مخصوصاً روانشناس

اجتماعی، فقر را عامل و زاییده بزهکاری بیان کرده است و می‌فرماید که فقر زمینه‌ساز اسکیزوفرنی^۱ و سایر مشکلات روانی و ناهنجاریهای اجتماعی را در پی دارد (موسوی اصل، ۱۳۹۶، ۷). امیرالمؤمنین علیه‌السلام به فرزندش محمد حنفیه فرمود: «پسرم، از فقر بر تو بیمناکم، از آن به خدا پناه ببر که فقر کاستی در دین و پریشانی در فکر و عقل ایجاد می‌کند و سبب دشمنی و کینه است» (نهج البلاغه، ح ۳۱۹). بنابراین فقر از مهمترین عوامل شکل‌گیری انواع جرائم و به‌ویژه آدم‌ربایی است؛ زیرا فردی که دچار این آسیب اجتماعی شده است به دلیل احساس حقارت از جامعه طلبکار شده و چون جامعه را مسئول محرومیت و فقر خود می‌داند، نوعی احساس انتقام‌کشی در او پرورش می‌یابد. فقر پدیده اجتماعی و معضلی تاریخی است و در گزاره‌های اسلامی فقر به‌عنوان یکی از لغزشگاه‌های انسان معرفی شده است (جورکویه، ۱۳۹۵، ۱۹۷) که در اکثر جوامع و تمامی دوران زندگی بشر وجود داشته است. فقر عاملی است که روابط عاطفی والدین و فرزندان را متلاشی، روح پاک انسانی را نابود، کودکان معصوم را محکوم به مرگ و عقب‌ماندگی می‌کند. فقر حالت و شرایطی است که در آن فرد قادر به تأمین نیازهای اساسی زندگی خود نیست و در نتیجه قوای جسمی و روحی او به‌تدریج مختل می‌شود و از پا می‌افتد، فقر دارای ابعاد مختلفی از قبیل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی است. از دیگر جنبه‌های فقر می‌توان به فقر شهری و فقر روستای اشاره کرد (رحیمی، ۱۳۸۰، ۲۶). از دیدگاه جامعه‌شناسی تعریف دقیق فقر یعنی حدود آن خالی از اشکال نیست؛ زیرا همانند بسیاری از پدیده‌های جامعه فقر نیز اعتبار زمانی و مکانی دارد و با خود جامعه متحول می‌شود؛ ولی آنچه مسلم است فقر زاییده دو عامل تضمین‌کننده چون کمبود و مالکیت است. تعریف و ضابطه فقر هر چه بوده باشد در طول تاریخ وجود داشته و در بسیاری از جوامع آفریننده حوادث خونین بوده به همین مناسبت از زمان‌های دور عوامل اقتصادی را یکی از اساسی‌ترین علل بیماری‌های جامعه به شمار می‌آورند (شیخاوندی، ۱۳۷۳، ۱۹۸).

جامعه‌شناسان جنایی علل ارتکاب جرم را در جامعه وضع نابسامان اقتصادی و اجتماعی آن جامعه دانسته و می‌گویند هیچ‌کس بالفطره، مجرم و بزهکار نیست از این جهت فرد را مقصر نمی‌دانند و می‌گویند اوضاع اقتصادی و شرایط نامساعد اجتماعی عامل ارتکاب جرم است (منظمی تبار، ۱۳۸۴، ۲). «بکر» معتقد است که عوامل اقتصادی نقش مؤثر را در ارتکاب جرم بازی می‌کند و تأکید دارد که مجرم عقلانی رفتار می‌کند و پس از تحلیل هزینه، فایده و مقایسه هزینه‌ها و منافع جرم نسبت به ارتکاب جرم تصمیم‌گیری

۱. اسکیزوفرنی را به زبان فارسی روان گسیختگی یا روان گسستگی تعبیر کرده‌اند، اکثر روانپزشکان و روانشناسان به آن سرطان خاموش قلمداد کرده‌اند چون این پدیده یک اختلال روانی شایع است که از ویژگی‌های بارز آن فقدان توانایی در اندیشیدن، عاطفه ضعیف، انجام رفتارهای نامعقول و ناتوانی در درک واقعیت است. (<https://fa.wikipedia.org/wiki>)

می‌کند (Becker, 1968, 162). بعضی از دانشمندان معتقدند که نابرابری درآمد در جوامع مختلف هم تولید فشار می‌کند و هم باعث افزایش میزان جرم در آن‌ها می‌شود. به خاطر این که شکاف عمده بین فقر و غنی، کینه‌توزی و عدم اعتماد را به وجود می‌آورد و چنین وضعیتی سرانجام منجر به خشونت و جرم می‌شود. نظریه فشار مدعی است که وقایع استرس‌آور در خانواده یا محیط زندگی، موجب عواطف منفی شده و حاصل آن بزه‌کاری است. به‌خصوص زمانی که تحقق این وقایع، همراه با فقدان منابع هنجاری چون حمایت والدین و هم‌سالان باشد (Katz, 2002: 31). نظریه فشار بر این امر ایده تأکید دارد که افراد، در مواجهه با فشارهای اجتماعی، در صورت عدم دسترسی به منابع لازم، دچار نوعی احساس محرومیت و سرخوردگی شده و آماده نقض و شکستن هنجارها و ورود به عرصه رفتاری‌های پرخطر، بزهکارانه و اعمال مجرمانه می‌شوند، آنگوی یکی از نظریه‌پردازان این نظریه بیان می‌دارد که سه عامل در ارتکاب بزهکاری نقش مؤثر را بازی می‌کند عدم نیل به اهداف ارزشمند مثبت؛ حذف محرک‌های ارزشمند مثبت؛ و مواجهه با محرک‌های منفی (Ronald, 2013: 29) که در صورت برخورداری از منابع ارتباطی و هنجاری‌های مناسب، می‌توانند در مواجهه با فشاری‌های اجتماعی خود را باز تعریف کنند و از ورود به عرصه‌های مجرمانه، پرهیز و اجتناب کنند.

در جوامعی که در آن‌ها نابرابری درآمد افزایش یافته است یک نوع حقارت و سرافکنندگی در افراد کم‌درآمد ایجاد می‌شود. روان‌شناسان یادآوری کرده‌اند که تحت این شرایط مردان جوان نسبت به وضعیت خود نگران خواهند شد، در نتیجه نسبت به افرادی که از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند حسادت خواهند ورزید. چنانچه آن‌ها نسبت به استفاده از شیوه‌های پرخاشگرانه و مخاطره‌آمیز در رقابت‌های اجتماعی ناتوان باشند، شانس کم‌تری برای موفقیت‌های آینده خواهد داشت. به همین خاطر اکثر این افراد مرتکب جرم خشونت می‌شوند. این فرآیند تحت عنوان نظریه محرومیت نسبی بیان شده است (ممتاز، ۱۳۸۱، ۳۶). قرن‌هاست فلاسفه و دانشمندان تأثیر فقر و اختلاف طبقاتی را در وقوع جرائم بحث قرار داده و برای حفظ نظم و امنیت در اجتماع تعدیل ثروت، بهبود زندگی طبقه فقیر و زحمتکش را تأکید کرده‌اند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۳، ۹۴). حالا با توجه با نظریه‌های علم جرم‌شناسی در خصوص علل و عوامل بزهکاری تبیین گردید، جرم آدم‌ربایی نیز یکی از مصداق‌های بزهکاری در اجتماع شناخته شده است این پدیده یکی از مشکلات تمام جوامع بشری است، اما در افغانستان شیوع‌ترین و دلخراش‌ترین جرائم آدم‌ربایی به وقوع می‌پیوندد. رقم جرم مزبور در افغانستان روز به روز در حال افزایش است که باعث نگرانی جدی مردم گردیده است. به‌صورت کلی از سال ۱۳۸۷ به این سو میزان جرائم ثبت‌شده جنایی افغانستان سیر صعودی داشته است. در سال ۱۳۸۷ تعداد جرائم جمعاً به ۶۷۸۶ مورد می‌رسید ولی این رقم تنها در سه‌ربع اول سال

۱۳۹۴ به ۱۴۶۱۹ افزایش یافته است. هرچند در برخی این سال‌ها تعداد جرائم نسبت به یک سال قبلش کاهش اندکی نیز داشت، به گونه مثال در سال ۱۳۸۹ از ۷۰۱۰ مورد، در سال ۱۳۹۰ به ۶۹۲۹ مورد کاهش یافت. در سال ۱۳۹۲ تعداد مجموعه جرائم مختلف در کشور افغانستان به ۲۷۱۲۲ مورد می‌رسید. برای جزئیات بیشتر بهتر است به جدول زیر مراجعه نمایم:

جرائم	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	سه‌ربع اول ۱۳۹۳	سه‌ربع اول ۱۳۹۴
قتل	۱۰۷۵	۱۱۷۵	۹۸۳	۱۲۳۱	۱۹۴۸	۲۹۴۱	۱۶۲۸	۱۶۷۳
اختطاف	۲۷۹	۲۷۵	۱۳۰	۱۱۳	۱۹۵	۲۵۳	۱۴۹	۱۵۷
قطاع الطریقی	۱۱۹	۲۱۳	۱۲۶	۱۲۰	۱۷۷	۲۳۱	۱۸۵	۱۵۳
تجاوز جنسی	۲۲۵	۲۸۱	۲۴۷	۲۸۱	۴۰۷	۹۹۶	۳۱۷	۳۱۸
سرقت	۱۴۹۶	۱۳۶۵	۱۳۴۱	۱۲۹۰	۲۵۰۴	۴۱۹۱	۲۶۱۰	۲۲۴۴
جرح	۱۴۹۹	۱۰۹۰	۱۰۵۲	۱۰۰۲	۲۹۸۷	۵۹۸۰	۲۳۱۱	۲۸۶۸
سائر جرائم	۲۰۵۲	۲۷۸۹	۳۰۹۸	۲۸۷۲	۷۳۵۱	۱۲۳۳۹	۷۶۴۱	۶۶۴۷
مجموع جرائم	۶۷۸۶	۷۱۶۴	۷۰۱۰	۶۹۲۹	۱۵۵۹۳	۲۷۱۲۲	۱۵۰۵۰	۱۴۶۱۹

(مأخذ: شاخصه‌های احصائیوی سالانه و ربع‌وار اداره مرکزی احصائییه ۱۳۸۷-۱۳۹۴).

با مطالعه ارقام مجموعی جرائم در سه‌ربع اول سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ در می‌یابیم که در سه‌ربع اول سال ۱۳۹۴، مجموع جرائم نسبت به سه‌ربع اول سال ۱۳۹۳، ۳٪ کم‌تر می‌باشد، اما ارقام آدم‌ربایی ۶٪، قتل ۳٪ نسبت به سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است؛ و دلیل افزایش چنین جرائم در کشور مزبور بیشتر عوامل اقتصادی (بی‌کاری، فقر، سود جستن برای گرفتن مادی، باج‌خواهی)، گفته شده است. از سوی دیگر براساس یک سروی که در افغانستان، از سال ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۴ صورت گرفت به‌طور متوسط ۲۰،۱۷٪ بی‌کاری، ۱۳،۱۷٪ فساد اداری، ۷،۶۷٪ بی‌سوادی و ۷،۷٪ فقر را از بزرگترین عوامل جرائم آدم‌ربایی به‌شمار آورده‌اند (<https://www.nunn.asia>). همین‌طور براساس گزارش پروژه موسسه مطالعات عامه افغانستان (نظارت از حقوق شهروندان افغانستان «ARM») که بر مبنای معیارهای پذیرفته بین‌المللی و به‌منظور نظارت از حقوق مدنی، اجتماعی و اقتصادی در ماه اگوست ۲۰۱۶ به کمک مالی وزارت خارجه هالند در ۲۹ ولسوالی از ۱۰ ولایات افغانستان که عبارت است از بلخ (مزارشریف، خلم، بلخ)، بامیان (مرکز بامیان، شیبیر، یکاولنگ)، دایکندی (نیلی، شهرستان)، هرات (مرکز هرات، کوهستان، گذره)، کابل (مرکز کابل، خاک جبار، استالف)، قندهار (مرکز قندهار، ارغنداب، دامان)، خوست (متون، مندوزی، تریزی)، قندوز (مرکز قندوز، امام صاحب، علی‌آباد)، ننگرهار (جلال‌آباد، کامه، سرخورد)، نیمروز (زرنج، چخانوسوز، چهاربرجک) صورت گرفت که

انتخاب ۱۰ ولایات ذکر شده از ۳۴ ولایات کشور مزبور بر مبنای معیارهایی همچون نمایندگی جغرافیایی، تنوع شرایط اجتماعی - اقتصادی، وضعیت مشارکت جامعه مدنی، اوضاع امنیتی و نقطه تمرکز برنامه‌های انکشافی در نظر گرفته شده است.

لازم به ذکر است در این چرخه نظارتی در حدود ۶۶۲ نفر اشتراک داشته‌اند که از این تعداد ۸۶ زن و ۱۹۷ مرد به‌عنوان مُطلع و آگاه کلیدی مصاحبه داده‌اند و ۱۹۷ زن و ۱۸۲ مرد در بحث گروه تمرکز اشتراک نموده بودند. منابع معلومات از اشخاص که در جدول زیر ذکر شده است جمع‌آوری گردیده است:

ولسوالی‌های مربوطه	مراکز ولایات
زنان شاغل به‌خصوص معلم‌ها و خانم‌ها خانه مردان شاغل به شمول دوکاندران، زارعان و معلم‌ها یک رهبر اجتماعی (ذکور) یک زن ذی‌نفوذ ریاست حقوق ریاست معارف ریاست صحت عامه ریاست پلیس	مدیر مبارزه با خشونت علیه زنان سازمان حقوقی ریاست امور زنان ریاست عدلیه ریاست معارف ریاست صحت عامه ریاست کار و امور اجتماعی ریاست مهاجرین و عودت‌کنندگان بخش حقوق بشر ریاست پلیس دانشجو (ذکور) دانشجو (اناث)
	زنان و شاغل به‌خصوص معلمان و اعضای شبکه ولایتی زنان EPD مردان شاغل به شمول دوکاندران، زارعان و معلم‌ها نمایندگان یک نهاد مدنی متمرکز بر جوانان نمایندگان یک نهاد مدنی متمرکز بر زنان نمایندگان سازمان‌های رسانه‌ای/ خبرنگاران نمایندگان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان عضو شورای ولایتی (ذکور) عضو شورای ولایتی (اناث)

در نهایت یافته‌های پروژه نظارتی مزبور نشان داد که مشکلات اقتصادی همچون فقر، بی‌کاری، کم‌کامان یک مشکل اساسی در تمام ولایات ذکر شده و وجود داشته است و این پدیده‌ها باعث افزایش جرائم مخصوصاً جرائم آدم‌ربایی در کشور شده است، بدین جهت، کابل، هرات، ننگرهار، بلخ به ترتیب از جمله استان‌های است که بیشترین میزان وقوع جرائم آدم‌ربایی در سطح افغانستان به خود اختصاص داده‌اند؛ که بیشترین قربانیان و ربوده‌شدگان این جرائم را در استان‌های مزبور نسبت به زنان کودکان و مردان تشکیل داده است (موسسه مطالعات عامه افغانستان، ۲۰۱۶). «در یک پرونده آدم‌ربایی نیز در سارنوالی مبارزه با جرائم امنیت داخلی و خارجی ولایت پروان چهار تن از اختطاف‌گران بنام‌های متین، مبین، شاه‌مین و غلام‌رضا مشهور به زمری فرزند بسم‌الله ولدیت دوست محمد، مسکونه پیشیان ولایت پروان در یک قضیه

اختطاف یکتن از باشنده ولایت کابل با استفاده وسیله نقلیه نوع ماشین کرولا کانادای مدل ۲۰۰۰ به رنگ فولادی به سمت پروان اختطاف می‌نمایند که بعد از کشف و تعقیب نهادهای ذی‌صلاح در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۱۶ در ولایت پروان مرتکبین دست‌گیر و به پنجه عدالت معرفی گردیده است اشخاص مظنون بعد از تحقیق و بازجوی نهاد مربوطه به جرم خویش اعتراف نموده‌اند و علت ارتکاب جرم را مشکلات اقتصادی، بی‌کاری و فقر بیان کرده است» (افغانستان، ولایت پروان، سارنوالی مبارزه با جرائم امنیت داخلی و خارجی، شماره پرونده ۹ - ۱۳۹۶/۳/۲۳). همین‌طور در یک پرونده دیگری کیفری جرم آدم‌ربایی در محکمه استیناف ولایت فراه چهار تن به اختطاف یک کودک ۱۲ ساله با استفاده از وسیله نقلیه نوع ماشین کرولا مجهز با سلاح و اسلحه در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۷ از ناحیه پنجم شهر فراه به سمت ولسوالی پیشترود فراه اختطاف می‌نمایند که در نتیجه بعد از کشف و تعقیب نهادهای ذی‌صلاح مرتکبین را در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۱ گرفتار و به چنگال قانون می‌سپارند بعد از تحقیق و بازجوی نهاد مربوطه مرتکبین به جرم خویش اعتراف نموده و علت ارتکاب جرم را مشکلات اقتصادی و باج‌خواهی مالی عنوان کرده است (افغانستان، ریاست محاکم فراه، شماره پرونده ۳۴۹ - ۱۳۹۲/۱۲/ ۲۹).

علاوه بر این در این اواخر در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۱۷ اداری مرکزی آمار افغانستان اعلام داشت که بیش از ۵۴ درصد مردم افغانستان در سال ۱۳۹۵ زیر خط فقر قرار داشتند (www.bbc.com/persain)؛ و یکی مشکل جدی برای جامعه افغانستان عنوان شده است که باعث افزایش بزهکاری از جمله سرقت، قتل، اختطاف و غیره جرائم در کشور شده است. سرانجام با توجه با موضوعات و گزارشات که پیرامون علل و عوامل جرم آدم‌ربایی در افغانستان مطرح گردید، عوامل اقتصادی و متغیرهای آن از جمله فقر، بیکاری، سود جستن برای گرفتن منافع مادی یا باج‌خواهی با انگیزه مالی با وقوع جرائم مزبور رابطه معنی‌دار مثبت وجود داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت فقر، بیکاری، سود جستن برای گرفتن منافع مادی و دست یافتن به ثروت و دارایی یا باج‌خواهی با انگیزه مالی از دلایل و عوامل عمده افزایش جرائم آدم‌ربایی در کشور مزبور بیان شده است.

گفتار دوم: عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر در جرم آدم‌ربایی

لاکاسانی (۱۹۲۴-۱۷۳۴) اسناد پزشکی قانونی شهر لیون فرانسه افکار و عقاید دورکیم را تأیید و عقیده دارد که بزهکاری یک میکروب اجتماعی است، این میکروب در محیطی که آمادگی برای پروراندن تبهکاری را نداشته باشد بروز نکرده و جرمی اتفاق نمی‌افتد، لاکاسانی می‌نویسد «هر جامعه بزهکاری دارد که شایسته آن جامعه است و محیط اجتماعی بر اثر عوامل مختلف در فرد اثر نموده و او را به طرف ارتکاب

جرم می‌کشاند». لاکاسانی تفاوت بین جرائم در شهر و روستا را ناشی از اختلاف آب و هوا، طرز تغذیه، وضع زندگی، آموزش و پرورش، خصوصیت‌های اخلاقی، اعتقادهای مذهبی نظام اجتماعی است و مسئول جرم ارتكابی خود نمی‌باشد اجتماع به علت سهل‌انگاری و غفلت او را به بزهکاری کشانده است (دانش، ۱۳۸۱، ۲۸۲).

تراویس هیرشی معرف‌ترین نتیجه نظریه کنترل اجتماعی جامعه‌محور دار طی دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ که به نظریه «قیود اجتماعی»^۱ یا «تقید اجتماعی» یا «رابطه (علقه - پیوند) اجتماعی» شهرت دارد (حاجی دی آبادی، ۱۳۹۴، ۱۶۰)؛ وی معتقد است کج‌رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود؛ و می‌گوید چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: وابستگی یا پیوستگی^۲، درگیر شدن یا اشتغال^۳، تعهد^۴ و باورها و اعتقادات در پژوهشی با عنوان «جنسیت، دل‌بستگی والدین و بزه‌کاری» نتایج نشان می‌دهد که پیوندهای مورد نظر هیرشی توان پیش‌بینی کنندگی بزه‌کاری جدی و غیر جدی را دارند. در هر دو جنس هنگامی که دل‌بستگی و تعهد به والدین و مدرسه افزایش یابد بزه‌کاری کاهش می‌یابد. برعکس نظر هیرشی، افزایش در دل‌بستگی و تعهد به گروه هم‌سالان بزه‌کار، افزایش بزه‌کاری را به همراه دارد.

الدر^۵ در پژوهش خود نشان می‌دهد گرفتاری والدین و به‌خصوص پدر نقش مهمی در رشد نوجوان در دسترسی به تحصیلات دانشگاهی، بزه‌کاری، خشونت و سلامت ذهنی دارد (Elder, 2007, 131). ضعف پشتیبانی خانواده، اختلافات خانوادگی، ضعف توافق و تجانس پدر و مادر، محل سکونت نامناسب، جدایی والدین، بیماری پدر یا مادر مرگ پدر یا مادر، پیشامد خطر یا روی کردن بدبختی، خطر تنهایی، تاریکی، کمی یا کاستی زندگی، نداشتن مصاحبت و دوست خوب، کمبود تنوع در اوقات فراغت، بدرفتاری خانواده معاشران و اطرافیان، حقارت اجتماعی، ضعف پشتیبانی و حمایت‌های اجتماعی مهمترین عوامل هستند که به اعتقاد یونگ سبب رشد و شکفتگی شخصیت افراد و جامعه می‌شوند (ممتاز، ۱۳۸۱، ۹۵).

آل‌فرد ادلر (۱۹۸۹) عواملی نظیر حقارت، برتری‌جویی، غایت و غرض خیالی، مصلحت اجتماعی، خودآگاهی، شیوه زندگی، خود خلاق بر شخصیت تأثیرگذار می‌داند (سلیمی، ۱۳۹۴، ۱۰۹).

- 1- Social bonds
- 2- Attachment
- 3- Involvement
- 4- Commitment
- 5- Elder

ویلیام گود با الهام از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به‌عنوان مهمترین نهاد اجتماعی کننده ساختار خانواده سازمان و انگاری‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش‌یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کج رو دخیل می‌داند؛ به نظر وی هنگام که یک یا چند تن از اعضای یک خانواده بتواند وظایف و نقش خود را به‌طور مناسب و شایسته‌ای انجام ندهند از هم گسیختگی خانواده به وجود می‌آید و این از هم گسیختگی باعث انحراف اعضای آن خانواده خواهد بود (ممتاز، ۱۳۸۱، ۴۷).

دورکیم اولین کسی بود که مفهوم نابسامانی را که عبارت است از شرایط به‌هم‌ریخته و درهم برهمی که در آن هنجارهای اجتماعی ضعیف می‌شوند و از بین می‌روند و یا در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند که در نتیجه هم در فرد و هم در جامعه تجلی پیدا می‌کند و این موضوع را در علم جامعه‌شناسی مطرح کرد. او هشدار داد که جامعه نوین در معرض نابسامانی قرار دارد، زیرا اعتقاد داشت که در نتیجه مهاجرت اقوام و گروه‌های مختلف به شهرها و از بین رفتن هنجارهای گذشته و عدم جایگزینی آن با هنجارهای جدید نوعی در هم‌ریختگی به وجود آمد است که در نتیجه آن مردم بدون خطوط راهنمایی اخلاقی روشن رها شده‌اند به این ترتیب افرادی که در شرایط نابسامانی قرار دارند فاقد قواعدی برای رفتار می‌باشند (یان، رابرتسون، ۱۳۷۲، ۱۷۲).

ساترلند (۱۹۶۶) تحت تأثیر نظریه‌های شاو و مک کی معتقد است که رفتار انحرافی مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۱، ۳۳). فرد بزه‌کار در طول حیات خود از طریق پیوستگی با دیگران انگیزه‌ها و گرایش و ارزش‌های انحرافی را فرا می‌گیرد و می‌آموزد و از طریق هم‌نشینی و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارد کج رو می‌شود (صلاحی، ۱۳۸۹، ۱۰۵؛ ستوده، ۱۳۸۰، ۶۳).

انریکوفری (۱۹۲۸-۱۸۵۶) شاو، مکی، سپین، برسیک و گرامسیک از نظریه‌پردازان نظریه به‌سازمانی اجتماعی می‌گویند: جوامع فاقد سازمان باعث جرائم می‌شود عامل جرائم در اجتماع به سازمانی اجتماعی است، زیرا کنترل‌کننده اجتماعی شکسته و ضعیف می‌شود و فرهنگ‌های مجرمانه بروز پیدا می‌کند. حالا با توجه به نظریه‌های جرم‌شناسی که درخصوص علل و عوامل بزهکاری در فوق بیان گردید آدم‌ربایی هم نیز از مصداق‌های بزهکاری در جامعه شناخته شده است. طوریکه امروزه این پدیده زیان‌بار تحت عنوان جرم آدم‌ربایی در افغانستان که در مباحث قبل بیان گردید وقوع میزان چنین جرائم سال در سال در حال افزایش است و یکی از علل و عوامل افزایش جرائم آدم‌ربایی با توجه موضوعات، گزارشات و آمار پرونده‌های آدم‌ربایی در این خصوص در مباحث پیشین بحث کردیم عوامل اقتصادی و متغیرهای آن از جمله فقر،

بی‌کاری و... عنوان شد. ولی عوامل اجتماعی، سیاسی هم در رابطه به جرم موصف بی تأثیر نبوده است بلکه عوامل اجتماعی، سیاسی نیز در افزایش آدم‌ربایی در افغانستان تأثیرگذار بوده است و نقش مؤثر را در ازدیاد جرم مزبور داشته است؛ زیرا عدم ثبات سیاسی کشور، فقدان کنترل قدرت عمومی، نبود کنترل اجتماعی غیر رسمی، اختلافات قبیله‌ای، انتقام‌جویی‌ها، عدم مصروفیت اشخاص، فساد اداری نهاد های حکومتی و عدم تطبیق قانون خود زمینه‌هایی برای افزایش جرم آدم‌ربایی برای آدم‌ربایان در کشور می‌باشد. با این همه، اختلافات قبیله‌ای و انتقام‌جویی‌ها نیز طوریکه اشاره شد دلیل دیگری است در وقوع جرم آدم‌ربایی در افغانستان، زیرا با توجه وضعیت قومی و قبیله و پابندی افراد به طایفه خود بیشتر مشکلات ها به صورت شورای قومی یا بزرگان اقوام و ریش سفیدان حل و فصل می‌شود مخصوصاً در مناطق جنوبی و غربی افغانستان همچون، هرات، فراه، پکتیا، هلمند، قندهار، غزنی خوست اما گاهی اوقات در اختلافات خانوادگی و قبیله‌ای در استان‌های مزبور از گروگان‌گیری یا آدم‌ربایی به عنوان روشی بر علیه حریف استفاده می‌کنند آن زمانی است که با طایفه یا قبیله دیگری اختلافشان بالا بگیرد بدین جهت برای انتقام جوی دست به آدم‌ربایی می‌زنند و این امر نه تنها از سوی سران طایفه تقبیح نمی‌شود بلکه در زمان بروز بحران از آنان حمایت و پشتیبانی نیز می‌کنند، بنابراین اختلافات قبیله‌ای و انتقام‌جویی‌ها نیز یک‌دیگر از دلیل و انگیزه وقوع جرم موصف در افغانستان می‌توان عنوان کرد.

همچنین نفوذ مافیا و یا سردسته گروه‌های آدم‌ربایان در درون حکومت خود دلیل دیگری در افزایش وقوع جرائم آدم‌ربایی در افغانستان بوده است چون آن‌ها با استفاده از پول و قدرت در درون نظام از هر وسیله به خاطری نجات و خلاصی اشخاص که هم‌دستان آن‌ها در جرم مزبور بوده‌اند و در چنگال قانون گرفتار شده‌اند استفاده می‌نمایند تا اینکه آن‌ها را از زندان خلاص و در نتیجه دوباره مرتکب چنین جرائم می‌شوند. به طور نمونه سیدالله مشهور به ریس خدایداد باشنده ولایت خوست که یکی از خطرناک‌ترین و ماهرترین اختطاف‌گر افغانستان گفته شده است که در حدود صدها مورد اختطاف، قتل، سرقت مسلحانه در کارنامه خویش داشته علاوه برین که در ۳۲ ولایت افغانستان شبکه اختطاف را رهبری می‌کرد بلکه در کشورهای بیرونی مثل ایران، پاکستان، تاجیکستان امارت متحده عربی نیز عهده‌داری رهبری اختطاف‌گران بوده است ایشان به خاطر قدرت و نفوذ که در درون حکومت داشت یا به پول یا به هر وسیله دیگر توانست سه بار از زندان فرار نماید دو بار در زمان طالبان و یک‌بار در زمان حکومت حامد کرزی، سرانجام بار دیگر از سوی نهادهای امنیتی دستگیر و به چنگال قانون سپرده شد که این بار به فیصله محکمه ابتدایی توسط محکمه استیناف به تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۹۳ به ساعت ۱۱:۳۰ قبل از ظهر در محبس پل چرخی، در حضور داشت نماینده‌های لوی سارنوالی مسئولین محبس پل چرخی، مسئولین طبی، ملا

امام و وکیل مدافع سیدالله، در مطابقت با احکام قانون جزاء و اجراءات جزایی افغانستان، اشد مجازات (اعدام) بالای سیدالله مشهور به رئیس خدایداد تطبیق گردید.^۱ اینکه چنین اشخاص خطرناک ماهر اختطاف‌گر می‌تواند سه بار از زندان فرار نماید خود نشانگر فساد در درون ارگان‌های کشور مزبور است که باعث افزایش جرائم بیشتر در کشور شده است. بر همین جهت بر بنیاد گزارش سالانه سازمان بین‌المللی شفافیت^۲ در سال ۲۰۱۵ دومین کشور فاسد جهان معرفی گردیده است.^۳ همواره از سوی سازمان‌ها و نهادهای ملی و بین‌المللی، به‌عنوان یکی از کشورهای که بیشترین میزان فساد اداری در آن جریان دارد، شناخته است و چندین سال است که متأسفانه همچنان این مقام برتری خویش را در این خصوص بین کشورهای دنیا حفظ نموده است (صادقی، ۱۳۹۴، ۱).

از سوی دیگر نیز براساس سروی و تحقیق دیدبان شفافیت در افغانستان در سال ۲۰۱۶، نهادهای عدلی و قضای ۳۵٪، پلیس ۲۶٪ فاسدترین ارگان‌ها دولتی شناخته شد.^۴ بر این ساس فساد اداری در این ارگان‌ها نقش مؤثر و برانزده‌ی را در افزایش جرائم جنایی مخصوصاً جرائم آدم‌ربایی را داشته است؛ زیرا مجرمین و آدم‌ربایان که از سوی نهادهای عدلی و قضایی به جرم که مرتکب می‌شوند به سزای اعمال خویش نمی‌رسند و این خود باعث تجری آنان در جرائم می‌شود در نتیجه دوباره مرتکب چنین رفتار خشن در کشور می‌شود. در نهایت جز دیگری که می‌توان به یک نحو در خصوص علل افزایش جرم آدم‌ربایی تأثیرگذار است عدم اطلاع کافی از مجازات جرم مزبور برای شهروندان یا عاملین این جرم، زیرا عدم اطلاع کافی افراد از مجازات، بی‌اطلاعی از مواد قانونی و عدم اطلاع‌رسانی دقیق در این مورد نیز خود دلیل دیگری است که ممکن است فرد طمع کسب درآمدهای بادآورده اقدام به انجام این اعمال مجرمانه و خشن نماید (شامبیاتی ۱۳۸۴، ۱۱۵).

گفتار سوم: عوامل جغرافیایی در وقوع جرم آدم‌ربایی

دانشمندان و فلاسفه از قرن‌ها پیش طرز سازش انسان را با آب و هوا، زمین و منابع طبیعی مورد بحث قرار داده و تأثیر عوامل مذکور را در رفتار و کردار و اعمال گروه‌های مختلف تأیید کرده و معتقدند که اعمال و رفتار انسانی تا حد زیادی تابع خصوصیت‌های محیطی و جغرافیایی است که او را در بر گرفته است. کتله از سال ۱۸۳۵ با تجزیه و تحلیل آمار جنایی در کتاب خود تحت عنوان فیزیک اجتماعی بر

1- <http://www.ufuqnews.com/archives/11141>

2 - International Transparency

3- (<http://csrskabu1.com/pa/?p=1967>)

4(http://www.baag.org.uk/sites/www.baag.org.uk/files/resources/attachments/IWA%20national_corruption_survey_2014_english.pdf)

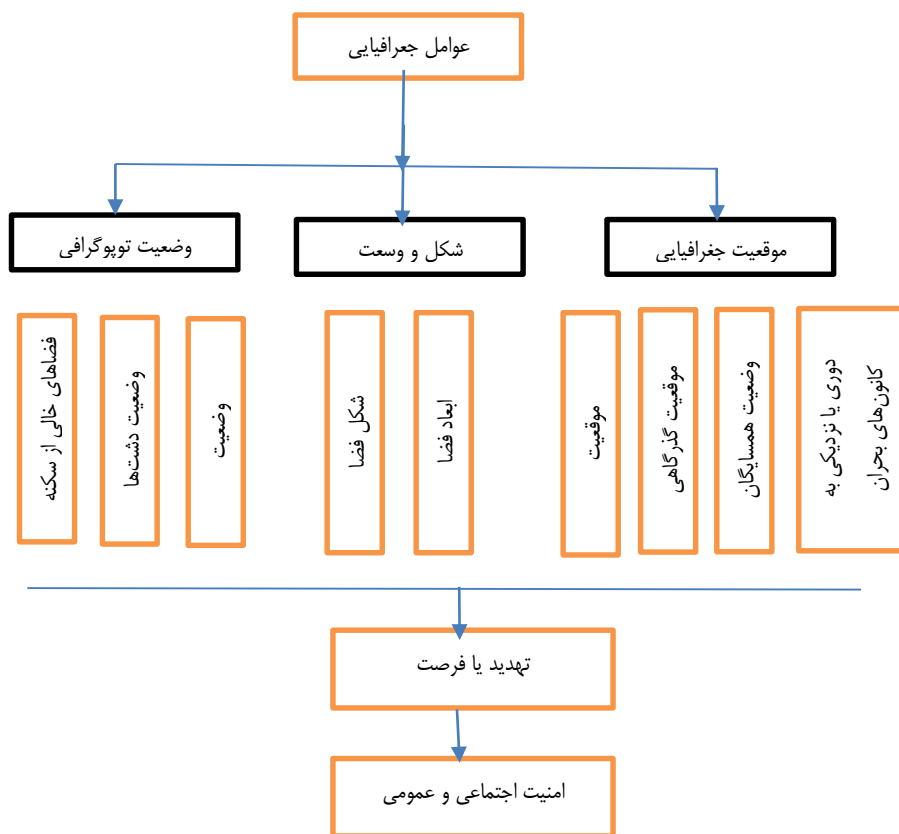
استمرار جرم تأکید کرد. او هم‌چنین معتقد بود که جرائم علیه اشخاص ترجیحاً در مناطق جنوبی در طول فصول گرم روی می‌دهد در صورتی که جرائم علیه مالکیت بیشتر در مناطق شمالی و در فصول سرد مشاهده می‌شود که ایشان براساس این مشاهده‌ها قانون حرارتی بزهکاری را بیان کرده است (ژرژ پیکا، ۱۳۷۰، ۶۶). بقراط (۳۵۶ - ۴۶۰) قبل از میلاد نخستین کسی است که شرایط اقلیم، فصول، آب و هوا را در وضع زندگی بشر مؤثر اعلام کرد (خلعتبری و همکاران، ۱۳۸۴، ۱۴۵)؛ بنابراین بررسی سوابق و پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر و روابط عوامل محیطی - جغرافیایی بر امنیت و امنیت اجتماعی از دید پژوهشگران و اندیشمندان دور نمانده است.

در تحقیقات خارجی، در مباحث نظری بری بوزان^۱ (۱۹۸۳) و بوزان و ال و بور^۲ و شیپینگ تانگ^۳ (۲۰۰۴) معتقد هستند که امنیت هر کشور یا منطقه متأثر از محیط خود و فضاهای بلافصل پیرامونی خود است (قهرمان پور، ۱۳۸۵، ۳۲). همچنین ابراهیم‌بای سلامی در مقاله خویش در این خصوص بر این باور است که بین موقعیت ژئوپلیتیکی و میزان ناامنی اجتماعی چون قتل، آدم‌ربایی... رابطه معناداری وجود دارد (ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۵، ۲۳).

دوری و نزدیکی به کانون‌های بحران و ناامن تأثیر مستقیمی برای امنیت فضاهای جغرافیایی دارد. به عبارت دیگر، میزان فاصله و مسافت نسبت به منابع بحران‌ساز امنیتی نقش مستقیمی بر امنیت مناطق اکولوژیک و سیاسی دارد. به طور مثال نفوذ داعش از سوریه به عراق ناشی از نزدیکی و پیوستگی سرزمینی عراق به سوریه بوده است.

1- Barry buzan
2- Ole weaver
3- Shiping Tang

شکل ۲ - مدل مفهومی تحقیق: رابطه عوامل جغرافیایی با امنیت اجتماعی - جرائم آدم‌ربایی: ▼



با این‌همه، کشور افغانستان به‌طور کلی از منظر موقعیت مکانی و موقعیت جغرافیایی در یکی از ناامن‌ترین، بی‌ثبات‌ترین، پرحادثه‌ترین و خیرسازترین مناطق جهان قرار دارد. طوریکه براساس «موسسه اقتصاد و صلح»^۱ (۲۰۱۴:۳) که بر معیار شاخصه‌ای تعداد عملیات تروریستی، تعداد تنش‌های داخلی و خارجی، تعداد افراد آواره به نسبت جمعیت و تعداد تلفات ناشی از نزاع‌های داخلی سازمان‌یافته در ۱۶۲ کشور جهان محاسبه صورت گرفت و آن‌ها را به لحاظ صلح و امنیت رتبه‌بندی کرده است. براساس آمار این موسسه در سال ۲۰۱۳ کشور افغانستان و سوریه با ضریب ۳/۴۱ و ۳/۶۵ جز ناامن‌ترین و دارای کم‌ترین میزان صلح در کشورهای دنیا می‌باشد و به ترتیب در رتبه ۱۶۱ و ۱۶۲ قرار دارند؛ و پاکستان با ضریب

1. Institute for Economics and Peace (IEP)

۳/۱۰ در رتبه ۱۵۴ جهان قرار دارد. این آمار توسط «مرکز ملی مطالعه تروریسم و واکنش‌های به تروریسم»^۱ موسوم به استارت (۲۰۱۴:۳) نیز به‌نوعی دیگر قابل تأیید است. براساس آمار این موسسه در سال ۲۰۱۳ در مجموع ۹۷۰۷ حمله تروریستی در جهان صورت گرفته است که حاصل آن ۱۷۸۰۰ نفر کشته و بیش از ۳۵۵۰۰ نفر مجروح شده‌اند. همچنین ۲۹۹۰ نفر آدم‌ربایی و یا گروگان‌گیری صورت گرفته است؛ که در این میان، سه کشور عراق، افغانستان و پاکستان در صدر کشورهای دارای بیشترین حملات تروریستی در جهان بوده است. در مجموع ۵۵۵۹ حمله تروریستی در این سه کشور صورت گرفته است که ۵۷/۳ کل حملات تروریستی جهان را در بر می‌گیرد. سهم این سه کشور در جهان در تعداد کشته‌ها و مجروحان حاصل از حملات تروریستی بسیار بیشتر و به ۶۶/۳ در صد کشته‌ها (۱۱۸۰۴ نفر کشته) و ۶۶/۶۵ در صد مجروحان (۲۳۶۶۲ مجروح) می‌رسد.

بنابراین عدم ثبات سیاسی و امنیتی افغانستان و پاکستان به‌عنوان دو کشور هم‌مرز که در حدود ۲۲۴۰ کیلومتر از شرق و جنوب مرز مشترک دارند، یک از دلایل افزایش جرائم آدم‌ربایی در افغانستان است؛ زیرا مشترک بودن مرز این دو کشور کم ثبات جایگاه مناسبی برای اختطاف‌گران و آدم‌ربایان است. چون عدم دسترسی مأموران به خاطر عدم ثبات سیاسی در بعضی مناطق این دو کشور یک از برگ‌های برنده آنان محسوب می‌شود و به همین جهت آدم‌ربایان با همکاری همدستان خود در مناطق مرزی بین کشور افغانستان و پاکستان اقدام به آدم‌ربایی می‌کنند. از سوی دیگر افغانستان کشوری است که بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده مطلق مواد مخدر (تریاک و متعلقات آن) در جهان است؛ و اقتصاد این کشور تا حدودی وابسته به مواد مخدر افیونی است. به دلیل ضعف زیر ساخت‌ها و ناتوانی حکومت در اشتغال‌زایی، عمده درآمد خانوارهای این کشور به‌ویژه در مناطق جنوب و جنوب غربی از راه کشت و تولید قاچاق مواد مخدر است. کشت خشخاش و تولید تریاک و مشتقات آن، سهل‌الوصول‌ترین و درآمدزاترین شغل و معاش برای مردم این منطقه است.

براساس گزارش دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۴، افغانستان کشوری است که در حدود ۹۰ در صدر از مواد مخدر تریاک و مشتقات آن را در جهان تولید می‌کند که این مقدار برابر با ۶۴۰۰ تن تریاک خالص است. برای تولید این میزان از مواد مخدر ۲۲۴ هکتار زمین در ۱۵ ولایت افغانستان (از ۳۴ ولایت) کشت شده است که این رقم در سال ۲۰۱۲ در حدود ۱۵۶ هزار هکتار بوده است؛ یعنی سال ۲۰۱۴ نسبت به ۲۰۱۲ بیش از ۴۵ در صد رشد داشته است. پراکنش کانون‌های تولید مواد مخدر و زمین‌های

1- National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism (START)

زیر کشت خشخاش در کشور افغانستان یکسان نیست. تراکم ولایات تولیدکننده مواد مخدر بیشتر در جنوب و جنوب غربی افغانستان می‌باشد. ۸۲ درصد زیر کشت خشخاش سال ۲۰۱۴ در چهار ولایت غربی و جنوبی افغانستان یعنی هلمند، قندهار، فراه و نیمروز بوده است. به‌طور کلی زمین‌های زیر کشت خشخاش در آپرفتهای حاصلخیز و دشتهای هموار رودخانه هلمند در جنوب، جنوب غرب و غرب افغانستان کشت و زرع می‌شود جایی که نزدیک مرزهای شرقی ایران و در نزدیکی مرزهای جنوب غربی پاکستان است. روشن است که سود اصلی حاصل از مواد مخدر نصیب گروههای اصلی قاچاقچی و تهیه‌کننده می‌شود و آنان برای رسیدن به این سود سرشار حاضر هستند دست به هر اقدام و جنایتی بزنند. عبور و مرور غیر مجاز از مرزها، حمل اسلحه و ارتکاب قتل، آدم‌ربایی یا گروگان‌گیری برای حفظ و انتقال موفق مواد، سرقت، ایجاد رعب و وحشت توسط قاچاقچیان مسلح بخشی از جرائم امنیتی است که قاچاقچیان مواد مخدر انجام می‌دهد. به‌طور کلی، تولید و قاچاق مواد مخدر از افغانستان برای خود و برای کشورها همسایه و حتی سایر کشورهای جهان یک خطر بزرگ و یک تهدید بزرگ امنیتی است. قاچاق مواد مخدر خطر بزرگی برای سلامت و رفاه انسان‌ها، دموکراسی، ثبات ملت‌ها، حکمرانی و استقلال کشورها و تهدید جدی برای امنیت اجتماعی، عمومی و امنیت ملی کشورها است. سرانجام می‌توان گفت، وجود قاچاق مواد مخدر از کشور افغانستان به کشورهای بیرونی همچون ایران و پاکستان دلیل دیگر از افزایش جرائم آدم‌ربایی در افغانستان است. چون قاچاقچیان مواد مخدر برای رسیدن به اهداف و این سود سرشار مواد مخدر از هر جنایت مثل قتل، اختطاف و آدم‌ربایی دریغ نمی‌ورزد بنابراین یکی دیگر از علل از افزایش وقوع جرائم آدم‌ربایی در افغانستان وجود قاچاق مواد مخدر می‌شود عنوان کرد.

نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین مؤلفه‌های نا امنی در افغانستان پدیده شوم آدم‌ربایی می‌باشد. آدم‌ربایی در اصطلاح حقوقی عبارت است از ربودن و محروم کردن فرد انسانی از آزادی آمد و شد برخلاف میل وی و برخلاف قانون به‌قصد مطالبه وجه یا مال و به‌قصد انتقام یا هر نحو دیگر با عنف یا تهدید یا حيله یا هر نحو دیگر می‌باشد. جرم مزبور در زمره جرائمی به شمار می‌رود که وقوع آن در فرایند حیات اجتماعی بسیار مهم و غیر قابل انکار است، گاهی وقتها وقوع حتی یک مورد از آن تمام ساختار امنیتی انتظامی و اصل اقتدار حکومتی یک منطقه را زیر سؤال برده و بسیاری از فعالیت‌ها را تحت شعاع قرار می‌دهد. ریشه آدم‌ربایی‌ها از نظر تاریخی در اختلافات قومی قبیله‌ای کسب مال و قدرت بوده و از گذشته‌های دور و اولیه زندگی مدنی بشر در قوانین همچون، قانون اور - نمو (۲۱۰۰ ق م)، قانون لیپیت - اشتار (۱۹۲۴ ق م)، قانون اشوننا

(۱۷۷۰ ق م) و قانون حمورابی (۱۷۵۰ ق م) وجود داشته و قانون‌گذاری اسلامی نیز بیش از ۱۴۰۰ سال پیش و در قرآن کریم با صراحت بدان پرداخته است. پلیس به‌عنوان متولی مبارزه با پدیده آدم‌ربایی نیازمند شناسایی و ریشه‌یابی عوامل و انگیزه‌های وقوع این جرم و ارائه راهکار مناسب می‌تواند در پیشگیری و کاهش وقوع آن است، آنچه در این تحقیق مدنظر بوده است شناخت عوامل مؤثر در وقوع جرم آدم‌ربایی در کشور افغانستان می‌باشد که با شناخت علل وقوع این جرم طرح‌ها و روش‌های مقابله‌ای توسط دست‌اندرکاران مسائل امنیتی و انتظامی تهیه و اقدامات لازم برای مهار این جرم به کار برده می‌شود. در کشورهای مختلف به اقتضای موقعیت ژئوپلیتیکی فرهنگی و اقتصادی نرخ جرم آدم‌ربایی شدت و ضعف دارد در کشور افغانستان با توجه عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و موقعیت جغرافیایی و راهبردی و هم‌مرز بودن با کشور کم‌ثبات همسایه از جمله پاکستان با این جرم به‌صورت چشم‌گیری درگیر بوده است. طوریکه از سال ۱۳۹۴-۱۳۸۷ در حدود ۱۵۵۱ فقره آدم‌ربایی در سطح ۳۴ ولایات کشور مزبور به وقوع پیوسته است که در این میان کابل، هرات بالاترین میزان وقوع آدم‌ربایی را در سطح ولایت‌های افغانستان به خود اختصاص دادند که بیشترین قربانیان این جرائم را نسبت به زنان مردان و کودکان تشکیل داده است. سرانجام با توجه به بررسی‌ها و نتایج که از این تحقیق نشان می‌دهد از میان عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی بیش‌ترین تأثیر در وقوع جرم آدم‌ربایی در کشور مزبور مربوط به عوامل اقتصادی و متغیرهای آن (فقر، بی‌کاری،...) است هرچند که عوامل دیگر از قبیل بی‌سوادی، انتقام‌جویی‌ها، بی‌ثباتی سیاسی، فساد اداری، ناامنی، قاچاق مواد مخدر، وضعیت جغرافیایی و اقلیمی منطقه نیز در وقوع این جرم بی‌تأثیر نبوده و همگی این عوامل در مجموع باعث شده‌اند که وقوع این پدیده در کشور افزایش پیدا کند.

پیشنهادات و راهکارها

۱. اصلاح قوانین حقوقی و قضایی مربوط به مجرمان آدم‌ربایی و تصویب قوانین خاص برای ولایات مرزی به‌خصوص ولایات قندهار، هرات ننگرهار، خوست، نیمروز با توجه به مرز گسترده و نبود ساز و کار مناسب جهت کنترل آن، در واقع تغییر نوع جرم از آدم‌ربایی به محاربه.
۲. تهیه طرح‌های پیشگیرانه پلیسی از جمله مهم‌ترین راهکار جلوگیری از آدم‌ربایی در اماکن مورد آماج، استقرار نگهبان به‌صورت مسلح (سلاح گرم یا سرد) است.
۳. بررسی اماکن آسیب‌پذیری و آماج‌های جرم آدم‌ربایی مثل اماکن تجاری، بانک‌ها و ...

۴. تعامل جدی و گرم با علمای دین با اخذ فتوای از آنان در خصوص حرام بودن استفاده از پولی که طریق گروگان‌گیری و آدم‌ربایی به دست می‌آید.
۵. نشست مشترک امنیتی دوره‌ای افغانستان با کشورهای همسایه در جهت تصمیم‌گیری در نقاط دارای خلأ امنیتی و تحویل ربابندگان و اشرار که بعد از اقدام شرارت‌آمیز به داخل خاک کشور مقابل متواری می‌شوند.
۶. تمام پرونده‌های آدم‌ربایی با دقت کامل و دید امنیتی مورد بررسی قرار گیرد و با توجه به آثار و پیامدهای وحشت‌آمیز که در جامعه تحقق پیدا می‌کند باید براساس قانون موجود به حداکثر مجازات به صورت فوری به اجرا گذاشته شود.
۷. تبیین و توضیح جرم آدم‌ربایی برای عموم مردم با استفاده از جرم‌شناسان محلی، حقوق‌دانان و اساتید توانا و مجرب و توجیه مردم نسبت به قوانین کیفری، حقوقی و قضایی موجود در این رابطه که این امر حضور پررنگ دستگاه‌های رسانه‌ای خصوصی و دولتی و همکاری متولیان قضایی و حقوقی را می‌طلبد.
۸. حکومت باید اقدامات و راهکارهای جدی و مؤثر برای جلوگیری از فساد اداری در ارگان‌های عدلی و قضایی و نیروی‌های امنیتی روی دست گیرد، چون فساد در این ارگان‌ها از عوامل عمده افزایش جرائم مخصوصاً جرائم آدم‌ربایی در کشور افغانستان است.
۹. موقف حکومت و ارگان‌های عدلی و قضایی در برابر آدم‌ربایان سخت‌تر و محاکم علنی برگزار گردد تا از لحاظ شعوری تمایل مجرمین به ارتکاب جرم از بین برود و یا حداقل کم شود.
۱۰. توسعه و تجهیز امکانات اطلاعاتی و نظامی برای شناسایی و دستگیری آدم‌ربایان.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
ابراهیم‌بای سلامی، غلام‌حیدر (۱۳۸۵)، چشم‌اندازی توسعه پایدار شرق ایران، *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۷۷.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۵)، *فرهنگ معاصر عربی - فارسی*، تهران، انتشارات نی، چاپ هفتم.
- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۲)، *حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)*، تهران، انتشارات میزان، چاپ ششم، ۱۳۹۲.
- بابائی، محمد علی (۱۳۹۰)، *جرم‌شناسی بالینی*، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم.
- بای، حسین علی (۱۳۹۵)، *جرم‌شناسی و سیاست جنایی*، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- بوزان، باری و ال ویور (۱۳۸۵)، مناطق و قدرت‌ها، ساختار امنیت بین‌الملل، مترجم، رحمن قهرمان پور، *فصلنامه امنیت*، شماره ۱، ۲.
- پیکا، ژرژ (۱۳۷۰)، *جرم‌شناسی*، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- جرج ولد و دیگران (۱۳۸۰)، *جرم‌شناسی نظری «گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی»*، مترجم، شجاعی، علی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- جعفرپور، جمشید؛ احمد زاده، ابوالفضل (۱۳۸۸)، بررسی جرم آدم‌ربایی در فقه و حقوق موضوعه با رویکرد به نظر حضرت امام خمینی، *پژوهشنامه متین*، شماره ۴۲.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲)، *ترمیمولوژی حقوق*، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم.
- جورکویه، علی محمدی (۱۳۹۵)، *بررسی جرم‌شناختی جرائم جنسی*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- حاجی دی آبادی، محمد علی (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی جنایی*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چاپ اول.
- حلی، جمال‌الدین، احمد بن محمد اسدی (۱۴۱۰)، *المقتصر من شرح المختصر*، در یک جلد، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد - ایران، اول.
- خلتعبری، عبدالحسین، سید رضا خوش زاد و احمد رضا احمدی (۱۳۸۴)، *سرفت‌های مسلحانه و به عنف*، تهران، کتاب سرای تندیس.
- دانش، تاج زمان (۱۳۸۱)، *مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست*، تهران، انتشارات کیهان، چاپ نهم.
- رحیمی، حسن (۱۳۸۰)، بررسی اثر فقر در محیط زیست، *ماهنامه اطلاعات اقتصادی - سیاسی*، شماره ۲۰۱.

- رفیعی، محمد تقی (۱۳۸۴)، *فرهنگ حقوق مجید*، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجید، چاپ نهم.
- زرعات، عباس (۱۳۹۲)، *حقوق جزای اختصاصی ۱ «جرائم علیه اشخاص»*، تهران، انتشارات جاودانه - جنگل، چاپ دوم.
- سالارزایی، امیر حمزه؛ جهان‌گیری کوشاهی، شهناز؛ شوربایی، حسن (۱۳۹۲)، بررسی انگیزه‌های وقوع جرم آدم‌ربایی در استان سیستان و بلوچستان، *پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، شماره ۴.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۹)، *خشونت خانگی علیه زنان (بررسی، علل و درمان با نگرش به منابع اسلامی)*، قم: شورای عالی حوزه علمیه، مرکز مدیریت حوزه‌ها علمیه خاوران، دفتر مطالعات تحقیقات زنان، مرکز نشر هاجر، چاپ اول.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۰)، *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران، آوای نور، چاپ هشتم.
- سیگل، لاری، جی (۱۳۸۵)، *جرم‌شناسی*، ترجمه یاشار سیف‌اللهی، تهران، پلیس آگاهی ناجا، چاپ اول.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۴)، *بزه‌کاری اطفال و نوجوانان*، تهران، انتشارات ویستار.
- شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۱۹)، *بایسته‌های فقه جزا*، در یک جلد، نشر میزان - نشر دادگستر، تهران - ایران، اول.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی جامعه*، تهران، انتشارات مرنیدی.
- صادقی، احمد رضا (۱۳۹۴)، *سیاست جنایی تقنینی افغانستان در قبال جرائم فساد اداری*، کابل، انتشارات واژه، چاپ اول.
- صبری، نور محمد (۱۳۷۸)، *جرم سرقت در حقوق کیفری ایران و اسلام*، چاپ اول.
- صلاحی، جاوید (۱۳۸۹)، *درآمد بر جرم‌شناسی و بزه دیده‌شناسی*، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، چاپ اول.
- علی سلیمی، محمد داوری (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی کجروی*، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- قربان حسینی، علی اصغر (۱۳۸۱)، *جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت «روش تحقیق در زمینه جرائم و مفاسد اجتماعی تحقیق علمی در جرم سرقت»*، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ دوم.
- کاتبی، حسینقلی (۱۳۸۰)، *فرهنگ حقوق فرانسه به فارسی*، تهران، گنج دانش، چاپ دوم.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۶)، *جرم‌شناسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶)، *حقوق جزای اختصاصی*، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ سیزدهم.
- محمودی، محمود (۱۳۸۶)، *رهایی گروگان*، تهران، انتشارات نیروی انتظامی.
- مرعشی، سید محمد حسن (۱۳۷۶)، *فساد فی الارض*، تهران، مجله قضایی دادگستری، شماره ۲.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، *انحرافات اجتماعی، نظریه‌های و دیدگاه‌ها*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- منظمی تبار، جواد (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی جنایی*، تهران، معاونت آموزش دانشگاه علوم انتظامی.

- موسسه مطالعات عامه افغانستان (۲۰۱۶)، (نظارت از حقوق اساسی شهروندان افغانستان دوره نظارتی سوم)، کابل.
- موسوی اصل، سید مهدی (۱۳۹۶)، فقر و بهداشتی روانی از دیدگاه دین و روانشناسی، پژوهشکده باقر العلوم.
- میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۸)، پیش‌گیری وضعی از بزهکاری (با نگاهی به سیاست جنایی اسلام)، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۴)، جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ سی و هشتم.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اختصاصی ۱ «جرائم علیه اشخاص»، تهران، انتشارات میزان، چاپ چهاردهم.
- نجفی توانا، علی (۱۳۹۲)، جرم‌شناسی، تهران، انتشارات، آموزش و سنجش، چاپ شانزدهم.
- یان، رابرتسون (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی ستیز و کنش مقابل، ترجمه حسین براوان، مشهد، انتشارات استان قدس رضوی.
- یک‌رنگی، محمد (۱۳۹۶)، جرائم علیه اجرای عدالت قضایی، چاپ سوم، تهران: انتشارات خرسندی.
- Elder, E. charlotte(2007). *Father involvement as a protective factor among delinquent adolescent*. University of Maryland.
- Katz, Rebecca. S (2002). *Re – Examining the Integrative social capital theory of crime*, Western Criminology Review. 4(1).
- Martin, A. Elizabeth (2001) *Dictionary of Law*, Oxford university press
- Becker, G. (1968). Crime and Punishment. *Journal of Political Economy*.
- Brush, j. (2007) *Dose Incom Inequality Lead to Mor Crime? A comparison of cross – sectional and Time – series Analyses of United states Counties*. Economics Letters.
- Ronald, L. Akers & Christin, L. Sellers(2013) *Student Study Guide for Criminological Theories: Introduction, Evaluation, Application*. New York: Oxford university press.
- Institute for Economics and Peace (IEP). (2014). *Global peace Index, Measuring Peace and Assessing Country Risk*. New York
- National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism (Start). (2014). *Annex of Statistical Information: Country Reports on Terrorism 2013*, A Department of Homeland Security Science and Technology Center of Excellence Based at the University of Maryland.
- <https://www.nunn.asia>
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/>
- <http://aa.com.tr/fa>.
- www.bbc.com/persain
- <http://www.ufuqnews.com/archives/۱۱۱۴۱>

قوانین

- قانون اساسی ایران
- قانون مجازات اسلامی ایران
- قانون اساسی افغانستان
- قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۶
- قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان افغانستان